

صحبت با دیگری: گفت‌وگوی بنیادین یهودیان با مسیحیان و مسلمانان

جانانان مگونت

لندن: آ.بی. تاروس، ۲۰۰۳، ۲۲۶ ص

کتاب با بیان پیشینه‌ای از تجربه نویسنده در گفت‌وگوی بین دینی با مسیحیان و مسلمانان آغاز می‌شود. جانانان مگونت در مقدمه‌ای میسوط،

دلخوشی‌ها، چالش‌ها و مخاطرات گفت‌وگوی متقابل ادیان ابراهیمی را بررسی کرده است و چشم‌انداز منحصر به فردی دارد. مگونت اگرچه به عنوان یک پزشک آموزش دید اما یک خاخام اصلاح‌گر شد و اکنون رئیس کالج لیویک (Leo Baeck) است و بیش از ۳۰ سال است که در بندرف آلمان، کنفرانس سلانه دانشجویان مسلمان-مسیحی-یهودی را اداره می‌کند. انگیزه نوشتن این کتاب حوادث گیج‌کننده بازده سپتامبر بود، چراکه به باور وی این حوادث، همراه با حوادث جاری خاورمیانه، ضرورت نیاز به گفت‌وگوی حقیقی را اجتناب‌ناپذیر می‌کنند؛ گفت‌وگویی که صحت و اعتبار اعمال و نظام‌های عقیدتی دیگری را به رسمیت بشناسد. با وجود پذیرش تردیدها و نگرانی‌های محیط بر گفت‌وگوی بنیادین، وی عملاً جهان یهودی را به چالش می‌کشد تا درباره رویکردها و عقاید مسلمانان و مسیحیان با آنها مراد و

گفت‌وگو داشته باشد و به فهم مناسبی از علایق مشترک و نیز علایق فردی‌شان نایل شود. او در یک رساله مباحثه‌ای، به‌وضوح از "مجادله به خاطر بهشت" حمایت می‌کند. مگونت مشکلات و الزامات نشأت‌گرفته از وضعیت سیاسی در سراسر خاورمیانه را کوچک جلوه نمی‌دهد، لیکن معتقد است این مشکلات یادآور لزوم به‌کارگیری گفت‌وگو برای نیل به سرود "جست‌وجوی صلح و پیگیری آن" هستند. مگونت در دو بخش، اول به مسیحیان و سپس به مسلمانان پرداخته است.

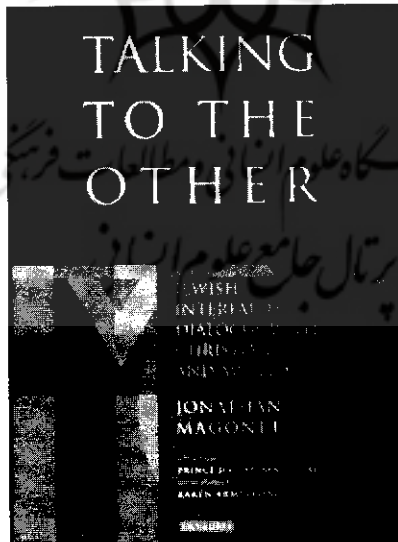
وی در این دو بخش به برخی مسائل ویژه مورد بحث یهودیان در گفت‌وگو، از برداشت‌های یهودی در باب عیسی (ع) و محمد (ص) گرفته تا تفسیرهای مسیحی از تورات، پرداخته و از درون تجربه‌اش که ریشه در یهودیت مترقی دارد، پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای برای آنها یافته است.

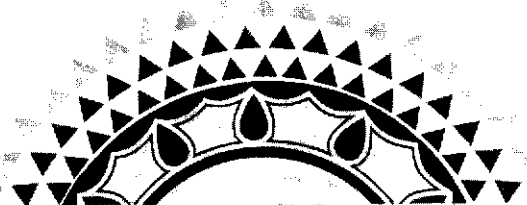
او در همین جا به بررسی جزئیات برخی از خطرات و چالش‌هایی می‌پردازد که می‌تواند از سوی تمامی ادیان تجربه شده باشد؛ از دنیوی‌ترین امور (نظیر اینکه چه نوع غذا و نوشیدنی باید برای شرکت‌کنندگان در جلسه گفت‌وگو تدارک دیده شود) تا امور مهم‌تر (مانند خطر بیگانگی شخص از ایمان خود). اما او پاداش‌ها را نیز برجسته می‌کند. توصیف دقیق وی از اینکه چگونه گفت‌وگو غالباً به بررسی عمیق ایمان خود فرد و در نتیجه تقویت معنویت کمک می‌کند، قابل تأمل است و اظهار ناخرسندی وی از اینکه ارتباطش با مسلمانان سنتی باعث شده هم‌کشیان راست‌گیش وی نسبت به او حساس شوند، صداقت خاصی را به اثبات می‌رساند.

اگرچه این کتاب به‌طور خاص برای مخاطب یهودی نوشته شده است، درس‌های باارزشی نیز برای علاقه‌مندان مسیحی و مسلمانی که به گفت‌وگوی میان سنت ابراهیمی مشغولند، دربر دارد؛ به‌ویژه برای کسانی که می‌خواهند به‌طور دقیق‌تر به فهم مسائلی نایل شوند که می‌تواند برای شرکت‌کنندگان یهودی

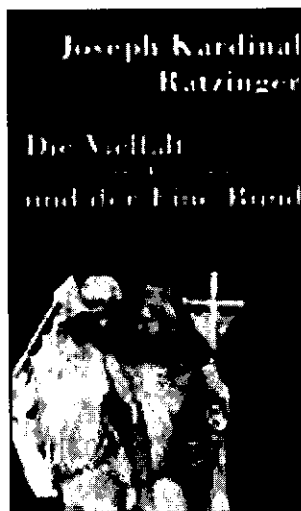
در گفت‌وگو به‌وجود بیاید. هرچند دیدگاهی که کتاب ارائه می‌دهد با یهودیت مترقی به شدت هم‌نواست، امیدوار است که یهودیان راست‌گیش از سهیم شدن و سود بردن از بینش وی دلسرد نشوند.

اهمیت پرداختن به چنین گفت‌وگویی به دلیل وضعیت وخیم خاورمیانه، بیش از پیش احساس می‌شود. در این راستا و در این زمان است که جانانان مگونت استدلال می‌کند: "تمام مردم معتقد مسؤلیت دارند به گفت‌وگوی با دیگری" مشغول شوند.





ترجمه: پریسا رضایی



۱ * و انسان خدا را آفرید Und Mensch schuf Gott

نویسنده: پاسکال بویر pascal Boyer

ناشر: کلت- کوتا Klett-Cotta

تاریخ انتشار: سپتامبر ۲۰۰۴

صفحه ۴۴۰

شابک: ۳۶۰۸۹۴۰۳۳۴

آیا خدا و خدایان زاده ذهن بشر هستند؟ آخرین پژوهش‌ها همزمان به این پرسش، پاسخ مثبت و منفی می‌دهند، زیرا آنچه از دست ما برمی‌آید این است که خدا را بر اساس ذهنیت خود شکل دهیم. ما همان‌طور که نمی‌توانیم مانع نفس کشیدن خود شویم، قادر به متوقف کردن روند اندیشیدن نیز نیستیم. پاسکال بویر در اثر پژوهشی درخشان خود، که طیفی از پژوهش‌های مربوط به کارکرد مغز بشر تا عصب‌شناسی، تحقیقات زبانی، روانشناسی، تکامل و همچنین علوم دینی را دربرمی‌گیرد، به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا انسان ناچار است خدا و یا خدایان خود را اختراع کند؟ از نظر وی، خدا و خدایان معنابخشی به امری که در ظاهر فاقد معناست را امکان‌پذیر می‌کند. اعتماد بشری به این امر در اهمیت این موضوع انعکاس می‌یابد که وظایف اجتماعی و جمعی ادیان تا چه حد دارای اهمیت هستند؛ آن‌هم در عصری که کار، پول، ایدئولوژی، ملت یا زبان نقش‌های بسیار دنیوی ادیان را ایفا می‌کنند. بنا به نظر پاسکال بویر، اگر خدا و خدایان وجود نداشتند، انسان باید آنان را اختراع و همزمان ادیان مربوط به آنها را از اساس دگرگون می‌کرد. در هر حال آنچه قطعی می‌نماید این است که حیات قرن بیست و یکم با وجود ادیان ادامه می‌یابد.

پاسکال بویر، با اصالت فرانسوی، فیلسوف دین است. بویر در کالج‌های انگلیسی‌زبان تدریس می‌کند و نیز کرسی‌هایی برای تدریس در آمریکا و طرحی تحقیقاتی برای مؤسسه دانش شناخت در لیون فرانسه دارد.



۲ * تنوع ادیان و عهدی واحد

Die Vielfalt der Religionen und der Eine Bund

نویسنده: یوزف راتسینگر Joseph Ratzinger

ناشر: انتشارات اورفلد Verlag Urfeld

تاریخ انتشار: اکتبر ۲۰۰۳

صفحه ۱۳۱

شابک: ۳۹۳۲۸۵۷۲۰۸

تنوع ادیان و عهدی واحد، در مجموعه جدید انتشارات اورفلد، نخستین مجلد به‌شمار می‌رود و ناشر قصد دارد به کمک آن، دسترسی به چهار هزار سال سنت یهودی- مسیحی را امکان‌پذیر کند. از نظر یوزف کاردینال راتسینگر، گفت‌وگو با ادیان جهان و مناسبات میان کلیسا و اسرائیل در زمره مضامین تراز اول مطرح در میان کلیسا و محافل الهیات‌شناختی است.

مباحث مهم مورد علاقه این کاردینال که خوانندگان بسیاری را جلب می‌کند، عبارت است از: اسرائیل، کلیسا و جهان، ارتباط آنها با هم و وظایف آنها بر اساس آیین‌های دینی کلیسای کاتولیک، عهد جدید، الهیات‌شناسی عهد در انجیل، گفت‌وگوی ادیان و مناسبات میان یهودیت و مسیحیت.

نویسنده در پیشگفتار این کتاب این مضامین را با فروتنی، مقدماتی برای مضامین سترگ می‌خواند که شاید با همین شیوه ناقص خود بتوانند به ادامه پرسش و پاسخ‌ها کمک کنند. نویسنده معتقد است که این پرسش‌ها در درجه نخست بر اساس گفت‌وگوی میان ادیان جهان طرح می‌شوند؛ گفت‌وگوهایی که بر اساس رویارویی‌ها و امتزاج پیگیر و پیشرفته فرهنگ‌ها با یکدیگر، به یک ضرورت بدل شده است. از سوی دیگر پرسش مربوط به ارتباط میان کلیسا و اسرائیل نیز مطرح می‌شود. آگاهی از گناهی که برای مدت‌های طولانی به فراموشی سپرده شده است و پس از رخدادهای خوفناک در پی دوازده سال ننگون‌بختی از سال ۱۹۲۳ تا ۱۹۴۵ بر وجدان مسیحیان سنگینی می‌کند، بدون شک یکی از موارد تعیین‌کننده در مطرح‌شدن این پرسش‌هاست و البته تنها انگیزه و معیار برای آن نیست. این کاردینال دیدگاهی را با این مضمون مطرح می‌کند: "یهودیان و مسیحیان باید درحالی‌که متقابلاً به آشتی رسیده‌اند، به قوایی برای صلح در جهان بدل شوند."

مطالعه این اثر برای کسانی که گفت‌وگوی میان یهودیان و مسیحیان را واجب تلقی می‌کنند و می‌کوشند در مباحثات مربوط به تکررگویی دینی جهت‌یابی کنند، آنها که خواهان آشنایی با دیدگاهی جدید از وحدت میان عهد جدید و عهد قدیم، اسرائیل و کلیسا هستند و نیز مربیان علوم دینی و الهیات‌شناسان، ضروری به‌شمار می‌رود.

یوزف کاردینال راتسینگر در سال ۱۹۲۷ در مرکل به‌دنیا آمد، در فرایزینگ، بن، مونستر، توینگن و رگنزیبورگ استاد الهیات کاتولیک بود و یکی از الهیات‌شناسان صاحب نام در امر مشاوره به‌شمار می‌رود. در سال ۱۹۷۷ به جانشینی کاردینال دیفنر و به‌عنوان اسقف اعظم مونیخ و فرایزینگ منصوب شد و سپس در سال ۱۹۸۱ در کنگره عقیدتی کاتولیک، که نهاد مرکزی برای تفسیر و دفاع از ایمان کلیسایی است، به مقام ریاست رسید.



عليرضا خدادوست

اسلام سياسي معاصر در كشاكش هويت و تجدد

اسلام سياسي معاصر / رضوان السيد / مجيد مرادي / مركز بازنشاسي اسلام

و ايران / چاپ اول، ۱۳۸۳

اين كتاب كه از شش فصل تشكيل شده است به طبقه‌بندي جريان‌هاي فكري اسلامي قرن گذشته مي‌پردازد و معياري كه نويسنده براي طبقه‌بندي اين جريان‌هاي اسلامي انتخاب کرده واكش آنها در برابر غرب است.

در نخستين فصل با عنوان "مراحل گفتمان اسلامي در پاسخ به چالش‌هاي يك قرن"، شرحي مختصر از جريان‌هاي اسلامي كه از اواخر قرن نوزدهم آغاز شده و تا دهه نود در قرن بيستم ادامه يافته، ارائه شده است.

نويسنده نتيجه مي‌گيرد كه طي قرن گذشته، گفتمان اسلامي در سه مرحله با چالش‌هاي تازه روبرو شده است. مرحله نخست، دوران رواج اندیشه‌هاي نوسازي اسلام و مشاركت مجدد آن در تمدن معاصر بود. براساس اين رهيافت مسلمانان بايد بهترين عناصر موجود را كه با دين و ميراث تمدن آنها تضاد ندارد برگيرند.

مرحله دوم كه مرحله‌اي انتقادي و بنيان‌كن بود، ناشي از سرخوردگي و نااميدي مسلمانان از تمدن معاصر بود. در اين مرحله، الگوي تمدني- اسلامي و بيزه‌اي در زمينه‌هاي مختلف اجتماعي و سياسي مطرح شد. براساس اين الگو، اسلام دموكراسي يا سوسياليسم نيست، اما الگوي يگانه‌اي را در باب اجتماع و سياست به جهان عرضه مي‌كند كه فراتر از ماديت و مشكلات تمدن معاصر است.

مرحله سوم كه هنوز هم شاهد توليدات فرهنگي آن هستيم، دو وجه تمايز عمده دارد: يكي سياسي شدن شديد اسلام است و ديگري اينكه به تبع اين سياسي شدن، اسلام از حالت ايدئولوژي مبارزه به يك ايدئولوژي براي رسيدن به قدرت تبديل شده است.

وي سپس پيشگامان هر مرحله را نيز معرفي مي‌كند: پيشگامان مرحله نخست نخبگاني بودند كه در راه‌اندازي دانشگاه‌ها و وضع قوانين اساسي دولت‌هاي جديد مشاركت داشتند. اكثريت پيش‌فروان مرحله دوم خارج از حيطه قدرت جهان اسلام قرار داشتند و دريافته بودند كه چالش تمدن‌ها، چالش اندیشه‌ها و الگوهاست. پيش‌تازان مرحله سوم آگاهي متوسطي داشتند و غالب نوشته‌هايشان نشانه فرهنگي برجسته‌اي نداشت، بلكه به مثابه اعلاميه مناديان انقلاب، جهاد و ويرانگري ساختارهاي رايج بود.

اين فصل ستون اصلي كتاب را تشكيل مي‌دهد و فصول بعدي در جهت تكميل و ارائه شواهدى بر آن آمده است. عنوان دومين فصل كتاب "زيستگاه ايدئولوژيك و سياسي جنبش‌هاي اسلامي معاصر" است. در اين فصل كه مملو از ارجاعات به متون نوشته شده توسط تندروهاي عرب در اواسط قرن بيستم است، نويسنده تندروهاي سني را به خوارج تشبيه مي‌كند و مي‌گويد: "اين گروه براي شهيد شدن مبارزه مي‌كنند، نه براي آنكه پيروز شوند."

رضوان السيد تأكيد مي‌كند كه رجال ديني سنتي با آزرديگي و ناخرسندي به اين جنبش‌ها مي‌نگرند و آنان كه جدي‌ترند از خطر اين جنبش‌ها بر خود اسلام بيمناكند، زيرا اين جنبش‌ها موضوع قدرت سياسي را پايه تمام اسلام مي‌دانند.

در اين فصل اشاره‌هاي متعددي به آثار سيد قطب شده و نويسنده تصريح مي‌كند كه كتابچه «معالم في الطريق» وي، بيانیه بنيادين احزاب مبارزه‌جوی اسلامی است و همه جماعت‌ها و گروه‌های اسلامی مبارز- دست‌کم در سطح جهان عرب- از بين سطور اين كتابچه سر برآورده‌اند.

بخش ديگر به بررسي جريان اخوان المسلمین از آغاز پيدایش تا وضعيت فعلی مي‌پردازد و از نکات مهم اين فصل بيان علت سطحی و کم‌ارزش بودن اندیشه‌هاي جريان تندرو است.

السيد مي‌نويسد: "مشکل اساسي اسلام سياسي مبارز اين است كه از اواخر دهه ۶۰ در محيط‌هاي تهی از فرهنگ و سياست سر برآورد و رشد كرد. فرهنگ چپي كه در دهه ۶۰ رايج بود و نظام‌هاي مستبدي كه از زمان‌هاي دور رواج داشته و دارد، عوامل تهی شدن اين محيط‌ها و جوامع از فرهنگ و سياست‌اند. زماني كه آثار سيد قطب يا شيخ قرضاوي را مي‌خوانيم- كه همگي از قطعيت راه حل اسلامي سخن مي‌گویند- فوراً به ياد ادعاهای جبری بودن روند تاريخی یا قطعیت راه‌حل سوسیالیستی می‌افتيم؛ بنابراین شگفت نخواهد بود اگر جبر اسلامي را همان جبر ماركسيستی با سرپوشي اسلامي بدانيم."

نويسنده در فصل سوم كه با عنوان "هويت‌باوري در جهان‌بنی اندیشه اسلامي معاصر" آمده، چهار تقابل فرهنگي و فكري ميان چهره‌هاي سرشناس جهان اسلام و غرب را دستمايه پراختن به موضوع كتاب از منظري ديگر قرار داده است.

"مسأله تمدن و روابط بين تمدن‌ها"، عنوان چهارمين فصل كتاب است كه باز هم در آن نويسنده از زاويه ديگري كه اين بار تمدن است، وارد بحث مي‌شود. وي در فصلي با عنوان "آينده جنبش‌هاي اسلامي در سايه تحولات منطقي‌اي و جهاني"، با مرور فعاليت اين جنبش در دهه ۹۰ به مشاهده تغيير فاز در برخي از اين جريان‌ها مي‌پردازد و ضمن اشاره به اينكه دولت‌هاي كشورهاي اسلامي همواره تحت تأثير اين جريان هستند، تنها راه‌حل منطقي حضور آنها در فضای سياسي و ورود به حاكميت را انتخاب روش‌هاي دموكراتيک می‌داند.

آخرين فصل كتاب با عنوان "زن در آثار فقهای سنتی و فقهای نوگرا"، هرچند كه در نوع خود جالب است، تناسب چنداني با فصل‌هاي ديگر ندارد و نويسنده تلاش کرده نگاه چهره‌هاي اصلي اندیشه اسلامي طی قرن گذشته را نسبت به حقوق زن مرور کند. در انتهای كتاب نيز زندگي‌نامه مختصر هر يك از چهره‌هايي كه در كتاب نامي از آنها آمده و اندیشه‌هايشان بررسي شده، به صورت پيوست ارائه شده است.

گفتني است دكتر رضوان السيد كه دکتری خود را با موضوع "کولت در فلسفه" از دانشگاه توینگی آلمان گرفته است، مقالات و كتاب‌هاي متعددي به رشته تحرير درآورده و در دانشگاه‌هاي لبنان، يمن، هاروارد و شيكاگو نيز تدریس کرده است.



واکنش غرب در برابر زردشت

تألیف: جی دوشن گیمن
ترجمه تیمور قادری

واکنش غرب در برابر زردشت

واکنش غرب در برابر زردشت/ژاک دوشن گیمن/تیمور قادری/مؤسسه انتشارات امیرکبیر/چاپ اول، ۱۳۸۳

گیمن در این اثر کم‌حجم به بررسی اجمالی دیدگاه‌های شرق‌شناسان غربی به زردشت و آیین وی پرداخته است و تاریخ پرفراز و نشیب این نگرش‌ها را به‌صورت مختصر ولی فراگیر بازگو می‌کند. وی بررسی خود را از آثار شرق‌شناسان قرون هفدهم و هجدهم آغاز و این جریان را تا به امروز دنبال می‌کند.

او این بررسی را در شش بخش دنبال کرده و گونه‌های متفاوتی را مبنا قرار داده است. یک گونه از آثاری که مبنای کار نویسنده قرار گرفته، سفرنامه‌های مستشرقان در سفر به هند و ایران است و در فصل اول با عنوان "تاریخچه مطالعات ایرانی" به توصیف آنها و تصویری که آنها از زردشتیان ایران ارائه کرده‌اند، می‌پردازد. گیمن در این فصل سفرنامه‌های شاردن را کامل‌ترین گزارش از زردشتیان ایران در قرن هفدهم می‌داند. بخش دیگری از آثار مورد استناد، کتاب‌های فلسفی، کلامی و به‌ویژه کتاب‌های تاریخ فلسفه هستند.

نکته قابل توجه در کتاب‌های فلسفی و کلامی، تلاش آنها برای مربوط کردن دین زردشت به ادیان سامی است. در برخی از این آثار سعی شده زردشت و آیین وی، قرآنی از دین موسی تلقی شوند و در برخی دیگر وی را مؤسس آیین کاتولیک معرفی کرده‌اند.

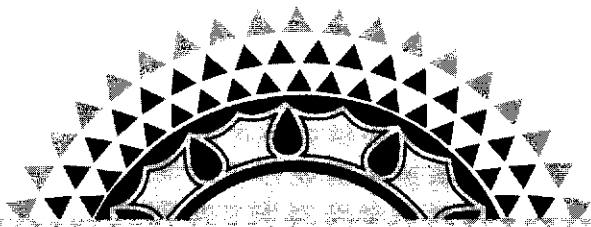
موضوع ثنویت و یکتاپرستی نیز از دیگر موارد مورد مناقشه میان نویسندگان است که در این مورد نیز گیمن آثار مختلف را مرور کرده است. فصل دوم کتاب با عنوان "دیدگاه هند و ایرانی" به بررسی ارتباط تمدن هند و ایران و نقش آیین زردشت در این میان می‌پردازد.

از جمله موارد جالب در بررسی‌های گیمن، استناد وی به کتابی با عنوان سرچشمه‌های تمدن است که یک جغرافی‌دان آمریکایی به‌نام ای. هانتینگتون نوشته است. در فصلی از این کتاب که به بررسی قوم پارسی اختصاص دارد،

نویسنده پارسیان را با پیوریتن‌های انگلیسی مقایسه کرده است. وی تصریح می‌کند که پیوریتن‌ها که به‌علت ایذا و آزار دینی در قرن هفدهم انگلیس را به مقصد آمریکا ترک کردند، تحت شرایط سخت آوارگی یا جان باختند یا سرخورده شدند و تنها کسانی که در دین خود راسخ‌تر و شایسته‌تر بودند از این مهلکه جان به در بردند. قطعاً مردان و زنانی که جامعه پارسیان هند را بنیان نهادند باید چنین بوده باشند و دلیل اینکه فعال‌ترین روشن‌بین‌ترین و جسورترین اقلیت در هند به حساب می‌آیند، همین است. آنان گروهی از اعیان و اشراف‌اند که به جای تسلیم شدن در برابر فاتحان مسلمان در ایران، به دین ملی خود به‌عنوان نمادی از استقلال تمسک جستند، در کوهستان‌ها پناه گرفتند و در فرصت مناسب به هند گریختند. در این فصل نویسنده به اسطوره‌شناسی تطبیقی نیز به‌عنوان گونه دیگری از آثاری که به زردشت و آیین وی می‌پردازند، توجه نشان می‌دهد. در فصل سوم، موضوع ماهیت و اصل امشاسپندان از چند زاویه بررسی شده و پژوهشگرانی که در جهت شناخت معنای مجرد و معنای عینی امشاسپندان تلاش کرده‌اند، معرفی شده‌اند.

فصل چهارم، بیشتر به مسأله یکتاپرستی و ثنویت اختصاص یافته و "خدای بزرگ و نظام زردشت" نام گرفته است. پرسش‌های اصلی این فصل عبارتند از: آیا دین زردشت اعتراض علیه یکتاپرستی است؟ آیا دینی که زردشت در آن چشم به جهان گشود، دینی توحیدی بوده است؟ در این صورت این تنها خدا یا خدای برتر کیست؟ آیا این خدا اهورامزدا بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها در قالب پیگیری تفاوت دین هخامنشی با زردشتی‌گری دنبال شده است.

بررسی روابط دین ایرانی با تفکر یونانی و یهودیت، موضوع دو فصل آخر کتاب است. آغاز فصل پنجم به این نکته اشاره دارد: "در حالی که یهودیان به‌عنوان قوم برگزیده، هرگز تأثیر و نفوذ بیگانه را بر دین خود نپذیرفتند، یونانیان خیلی زود خود را مشتاق آن نشان دادند که به‌عنوان وارثان و جانشینان حکمای شرق جلوه‌گر شوند."



مناسک دینی نیز تنها به دلیل باورهای خاصی که در پشت آنها نهفته است، از دیگر مناسک متمایز می‌شوند. بنابراین مهمترین خصلت سرشتی دین، باورهای آن است. باورهای دینی به‌رغم تنوع یا سادگی و پیچیدگی خود در یک مسأله مشترک هستند و آن تقسیم امور و اشیا به ناسوتی و لاهوتی است. هیچ دینی را نمی‌توان یافت که دست به این تقسیم‌بندی نزده باشد و از این دو عنوان یعنی ساکره (sacred) و پروفان (profane) سود نجویید. هستی از نظر یک فرد دیندار شامل دو حوزه متمایز است: بخشی امور لاهوتی و مقدس را تشکیل می‌دهد و بخشی متشکل از امور ناسوتی و عادی است. دورکیم پس از تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده دین و بیان تفاوت آن با جادو این تعریف را ارائه می‌دهد: "دین عبارت است از دستگاهی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی- یعنی مجزا [از امور ناسوتی] و ممنوع؛ این باورها و اعمال، همه کسانی که پیرو آنها هستند را در یک اجتماع اخلاقی واحدی به نام کلیسا [یا امت] متحد می‌کنند" (ص ۶۳).

فصل دوم کتاب اول، یکی از اصلی‌ترین تجلیات دینی یا صورت‌های اصلی و اولیه حیات دینی یعنی "جان‌پرستی" یا آنیمیزم (Animism) را تحلیل و نقد می‌کند. دورکیم از آن رو آنیمیزم را به‌عنوان کهن‌ترین دین نمی‌پذیرد که معتقد است در نهایت این نگرش دین را به یک توهم بزرگ تقلیل می‌دهد و برای ادامه آن توجیه خردپسندی عرضه نمی‌دارد. از نظر او دین یک واقعیت اجتماعی است و کارکردی روشن و مفید دارد و از این رو هیچ دینی نمی‌تواند دروغین باشد. این اصل موضوع دورکیم است: "دینی که دروغ باشد، نداریم. همه ادیان به نحو خاص خودشان حقیقت دارند" (ص ۳). از این رو تبیین‌های جان‌پرستانه را کافی نمی‌داند و آنها را با عملکرد جدی دین ناسازگار می‌یابد.

دومین دیدگاه درباره صورت اولیه حیات دینی، طبیعت پرستی یا ناتوریزم است که خاستگاه و نگرش آن با آنیمیزم متفاوت است. دورکیم این دیدگاه را نقل و نقد می‌کند و آن را برای تبیین خاستگاه دین ناکافی می‌شمارد.

فصل چهارم با نقد مجدد دو نگرش آنیمیزم و ناتوریزم آغاز می‌شود. این دو نگرش با وجود تفاوت‌هایی که دارند، در یک نکته اساسی مشترک‌اند: "از نظر جان‌پرستان نقطه عزیمت در سیر تحول دین، از رویا آغاز می‌شود و از نظر طبیعت‌پرستان از برخی تظاهرات کیهانی" (ص ۱۲۰). حال آنکه نمی‌توان دستگاه عظیم دین را بر این گونه باورها نهاد.

از این رو بهتر است به جای اینکه یکی از این دو نگرش را بنیاد دین به‌شمار آوریم، در پی صورت بنیادی‌تری براییم و آن را سرآغاز نگرشی دینی تلقی کنیم. از نظر دورکیم چنین دستگاهی وجود دارد و همان است که مردم‌نگاران نام توتیم‌پرستی به آن داده‌اند (ص ۱۲۱). دورکیم در این جا مروری دارد بر ادبیات و پیشینه مسأله توتیمیزم.

فصل‌های نه‌گانه کتاب دوم، باورهای اساسی توتیمیزم را بررسی و تحلیل می‌کند. چهار فصل به‌هم‌پیوسته نخستین کتاب، به تحلیل مفهوم و انواع توتیم اختصاص یافته است. مستند دورکیم در این فصول، مطالعات و یافته‌های مردم‌نگاران است که در جای‌جای کتاب به آنها اشاره می‌کند.

از نظر دورکیم موضوع اصلی دین، ارائه تبیین رضایت‌بخشی از عالم هستی نیست؛ "زیرا اگر کار اصلی دین همین بود، به هیچ وجه معلوم نمی‌شد که چگونه دین توانسته است بر سر پا بماند، از این لحاظ آنچه



سیدحسین اسلامی

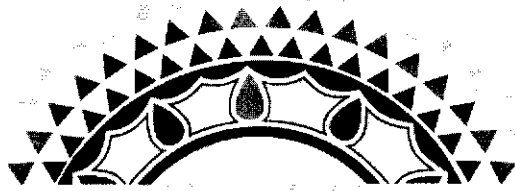
۱ | صور بنیانی حیات دینی

صور بنیانی حیات دینی / امیل دورکیم / ترجمه باقر پرهام / تهران، نشر مرکز / ۱۳۸۳، ۶۲۲ صفحه

(les formes elementaires de la vie religieuse)

این کتاب یکی از آثار مهم کلاسیک در تفسیر جامعه‌شناسانه دین است که نزدیک به صد سال پیش (۱۹۱۲) به‌وسیله امیل دورکیم - که جامعه‌شناسی جدید با تلاش‌های او به‌صورت رشته‌ای مستقل در مجامع علمی و دانشگاهی پذیرفته شد- نوشته شده است. دورکیم در این کتاب مفصل از طریق بررسی کهن‌ترین دین موجود در میان قبایل ساکن استرالیا، یعنی توتیم‌پرستی، می‌کوشد ماهیت، خاستگاه، و کارکرد دین را به‌طور کلی نشان دهد و این تفسیر را برای فهم همه ادیان به‌کار گیرد. هرچند امروزه مفروضات، روش و نتایج تحقیق دورکیم در این باره به‌شدت مورد چالش قرار گرفته و کاستی‌های آن روشن شده است، با این حال خواندن این کتاب مفصل همچنان برای علاقه‌مندان این حوزه آموزنده است. (۱)

این کتاب خود، شامل سه کتاب است و هر کتاب نیز به فصولی تقسیم شده است. دورکیم پس از بیان موضوع پژوهش، کتاب اول را به مسائل مقدماتی اختصاص می‌دهد. نخستین فصل این کتاب به تعریف دین می‌پردازد. در این جا دورکیم تعاریف موجود درباره دین را نقل و نقد می‌کند و خود تعریف تازه‌ای از آن به‌دست می‌دهد. از نظر وی پدیده‌های دینی به دو مقوله بنیادی تقسیم می‌شوند: باورها و مناسک (ص ۴۸).



از قدرت جامعه می‌داند و دین را نیز فرآورده‌ای از جامعه برای حفظ همبستگی میان افرادش معرفی می‌کند. با اینکه تقریباً همه نهادهای بزرگ اجتماعی از دین برخاسته‌اند، خود دین چیزی نیست جز ساخته جامعه و اقتدار اخلاقی آن: "پس نیروهای دینی نیروهایی بشری‌اند از مقوله نیروهای اخلاقی" (ص ۵۸۰). نتیجه دیگری که دورکیم طی تحلیل خود به آن می‌رسد آن است که تا جامعه وجود دارد، دین نیز خواهد بود و نمی‌توان آرمان جامعه بی‌دین را تصور کرد و در پی آن کوشید. دین یک کارکرد دیگر نیز دارد و آن تبیین هستی برای مؤمنان و پاسخ به پرسش‌هایی است که در ذهن و جان آنان وجود دارد و با این کار خلأیی را پر می‌کند، اما علم این وظیفه را به تدریج دنبال می‌کند و جای را بر دین تنگ می‌کند. از نظر دورکیم علم نه تنها با دین مخالفت نمی‌کند، بلکه: "مفاهیم کلی علم، ریشه دینی دارند." (ص ۵۹۵) و علم ادامه و تکامل دین است، نه دشمن آن. لیکن کم‌کم این کارکرد را به عهده می‌گیرد و به این ترتیب، از نظر دورکیم تعارض علم و دین ماهوی نیست، بلکه بر سر قلمرو تفسیر است. از این رو علم هر چه هم پیشرفت کند، باز نمی‌تواند همه کارکردهای دین را از آن بگیرد، زیرا انسان در زندگی خود نیازمند ایمان است و این کار تنها از دین ساخته است، نه علم: "علم پاره‌پاره است، ناقص است؛ علم فقط به کندی پیش می‌رود و هرگز تمامیت یافته نیست؛ زندگی اما نمی‌تواند منتظر بماند" (ص ۵۹۷). در نتیجه، دین همواره وجود خواهد داشت و این نقص را برطرف خواهد کرد. دورکیم همچنین به برخی نتایجی که به آنها رسیده است و کمتر از نتایج فوق اهمیت دارند، اشاره می‌کند که در اینجا از آنها می‌گذریم.

ترجمه کتاب، دقیق، فنی و در عین حال روان است که از قدرت مترجم و ممارست سالیان دراز وی در ترجمه متون کلاسیک فرانسه از جمله "درباره تقسیم کار اجتماعی" دورکیم، "مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی" ریمون آرون و "مبانی جامعه‌شناسی" هانری مندراس، خبر می‌دهد. با این همه در اینجا دو نکته گفتنی است: نخست آنکه بیشتر مترجمان و نویسندگان، در ترجمه عنوان این کتاب، به نحوی از تعبیر اولیه یا "ابتدایی" استفاده کرده‌اند. این وصف با عنوان کتاب سازگارتر است و تأکید دورکیم بر تحلیل نخستین صورت حیات دینی موجود نیز مستند این استفاده به‌شمار می‌رود. جا داشت مترجم محترم توضیح می‌داد که چرا به جای استفاده از تعبیرات رایج، از تعبیر "بنیانی" استفاده کرده است که هرچند غلط نیست و می‌تواند مورد نظر دورکیم نیز باشد، اندکی رهنز است و بار معنایی دیگری را نیز القا می‌کند. نکته دوم آن است که مناسب بود ایشان - که خوب با آرای دورکیم آشناست - با افزودن مقدمه‌ای تحلیلی بر کتاب و بیان ایده‌های اساسی دورکیم در آن، اندکی از دشواری خواندن این متن سنگین و طولانی می‌کاست. با این همه ترجمه این کتاب به زبان فارسی، فرصتی است ازجمله برای گشودن راه ترجمه کلاسیک‌هایی از این دست.

گفتنی است که سال گذشته از این کتاب، ترجمه‌ای با این مشخصات منتشر شده است: "صور ابتدایی حیات مذهبی"، امیل دورکیم/ ترجمه نادر سالارزاده امیری/ تهران، دانشگاه علامه طباطبائی/ ۱۳۸۲

پی نوشت:

۱- برای گزارش و نقد آرای دورکیم، نک: «رهیافت دین شناختی دورکیم»/ سیدحسین اسلامی/ فصلنامه "هفت آسمان" شماره ۱۹/ پاییز ۱۳۸۲، ص ۴۹-۷۶

در ادیان می‌بینیم چیزی جز خطاهای به هم بافته نیست. دین قبل از هر چیز، دستگاهی از مفاهیمی است که به کمک آنها افراد جامعه‌ای که عضو آن‌اند برای خود مجسم می‌کنند و از روابط مبهم ولی بسیار صمیمانه و درونی خویش با آن دریافتی دارند" (ص ۳۱۰).

از این منظر دین هیچ نسبتی با نقش تفسیر هستی یا واقع‌نمایی ندارد و اساساً نباید چنین انتظاری از آن داشت. هدف غایی دین تقویت انسجام اجتماعی است و عبادات نیز در این مسیر عمل می‌کنند و: "نقش آشکار آنها تحکیم پیوندهای موجود میان مؤمن و خدای اوست، از همین رهگذر این حرکات پیوندهای موجود میان فرد و جامعه را هم مستحکم‌تر می‌کنند، زیرا خدای مورد بحث در آن باورها چیزی جز بیان مجازی جامعه نیست" (ص ۳۱۰).

اما هیچ دینی در باورهایش خلاصه نمی‌شود، بلکه باید نقش آیین‌ها و مناسک عبادی آن را نیز بررسی کرد و این کاری است که دورکیم در کتاب سوم خود با عنوان "نگرهای مناسکی اصلی" طی پنج فصل به‌انجام آن همت گماشته است. دورکیم در پایان کتاب طی نتیجه‌گیری مفصل خود به جمع‌بندی نتایج به‌دست‌آمده می‌پردازد و ادعا می‌کند که هرچند وی یک دین ابتدایی یعنی توتیمیس را بررسی کرده است، اما همین دین ابتدایی همه عناصر ذاتی یک دین کاملاً پیشرفته را در خود دارد. این عناصر از نظر دورکیم، عبارتند از: "تمایز چیزها و تفکیک آنها به لاهوتی و ناسوتی، مفهوم کلی روان، روح، شخصیت اسطوره‌ای، الوهیت ملی و حتی بین‌المللی، کیش منفی با اعمال ریاضت‌کشانه‌ای که شکل افراطی آن را تشکیل می‌دهند، مناسک نذر و نیاز و همذات طلبی، مناسک تقلیدی، مناسک یادبودواره و بزرگداشت و مناسک کفاره‌ای" (ص ۵۷۵) وی در برابر این انتقاد که چگونه از بررسی یک دین ابتدایی می‌خواهد به فهم هم ادیان برسد؟ پاسخ می‌دهد: "اگر دانشمندی حتی در یک مورد یگانه موفق شود راز زندگی را به چنگ آورد، حتی اگر این مورد به بسیط‌ترین موجود پروتوپلاسمی برگردد، باز هم حقایقی که از این راه به دست آمده‌اند در مورد همه موجودات زنده، حتی برترین آنها کاربرد خواهند داشت" (ص ۵۷۶).

نکته دیگری که دورکیم بر آن تأکید می‌کند آن است که بیشتر نظریه‌پردازان، دین را عمدتاً مجموعه‌ای از تصورات و باورها دانسته، به تحلیل آنها همت گماشته و مناسک را به حاشیه رانده‌اند. اما دین بیش از آنکه دستگاهی از باورها باشد، مجموعه‌ای از اعمال است و نمی‌توان اهمیت این اعمال را نادیده گرفت، چرا که دین نقشی جدی در زندگی اجتماعی مؤمنان ایفا می‌کند و این نقش از طریق مناسک صورت می‌بندد، نه صرف باورها: "نقش دین عبارت است از واداشتن ما به عمل و کمک کردن به ما برای زیستن. مؤمنی که با خدای خویش همذات شده، فقط بشری نیست که به حقایق تازه‌ای دست یافته که نامؤمن از آنها بی‌خبر است، این مؤمن آدمی است که بیش از نامؤمن توانای عمل است" (ص ۵۷۷). نتیجه دیگری که دورکیم به آن اشاره می‌کند آن است که گرچه دین یک واقعیت است و نمی‌توان آن را توهم محض دانست، حقیقت آن همان نیست که مؤمنان به آن می‌گویند. به تعبیر دیگر، تجربه دینی وجود دارد، لیکن نه به معنای وجود نوعی تجربه متمایز از دیگر تجارب زندگی و گویای حقیقتی ماورایی. تأثیر دین، در حقیقت تأثیر جامعه است و این: "جامعه است که به مؤمن قدرتی می‌دهد که از خود فراتر رود." (ص ۵۷۹) بنابراین، هرچند دورکیم تأثیر دین را در مؤمنان می‌پذیرد، آن را در تحلیل نهایی ناشی